

بہ نامہ خالق یکتا

دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده‌ی هنر

پایان‌نامه

جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی پژوهش هنر

عنوان

بررسی ارتباط انسان و طبیعت در افسانه‌های کهن، بر اساس منتخبی از

افسانه‌های هزار و یک‌شب

استاد راهنما

دکتر ابوالقاسم دادور

استاد مشاور

دکتر فاطمه کاتب

دانشجو

فیروزه وزیری

تیر ۱۳۸۸

زندگی جاری بود و زیستن پابرجا...
رؤیاهای همه واقعی بودند و خوابها همه تعبیر شده...
ناگهان باد آمد... طوفانی شد... چنان هیاهو کرد که خاک همه جا را فراگرفت... و من دیگر
نمی دیدم...
وقتی باد نشست...، وقتی آسمان آرام شد...، دیدم هرآنچه داشتم مدفون شده است...، دیدم
جاده‌ای که ساخته بودیم در تلاطم باد ویران شده است...، دیدم همه‌ی رؤیاهایم خاکستری
شده‌اند... و من در گرد و خاک، آسمان ابری دلم را ناباورانه به نظاره نشستم...
حالا تا ابد برای خودم در انعکاس آب، آوازی محرمانه می خوانم...
حالا خوب می دانم که زندگی افسانه است...
دیروز را که نگاه می کنم، خاطراتی دست نیافتنی می یابم...
امروز بی تو و با تو، می گذرد...
و فردا رؤیایی است که دوست داشتم با تو و در کنار تو شکل می گرفت...
کاش این جا بودی...
با این حال آن چه امروز دارم به خاطر حضور نازنین و کوتاه تو است...
...

تقدیم به افسانه‌ی زندگی‌م، محمد عزیز...

و

تقدیم به پدر و مادر مهربانم که سایه‌ی مهرشان همواره بر آسمان وجودم گسترده
بوده است...

و

با تشکر از استاد محترم، جناب آقای دکتر دادور، که راهنمایی‌های ارزشمند و
مفیدشان در شکل‌گیری این تحقیق، بسیار مؤثر بود...

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱ - ۳	مقدمه
۴ - ۱۰	فصل اول: کلیات پژوهش
۱۱ - ۱۲	فصل دوم: انسان و طبیعت
۱۲ - ۱۴	۱- ۲ انسان کیست؟
۱۵ - ۱۶	۲- ۲ طبیعت چیست؟
۱۷ - ۲۴	فصل سوم: بررسی ارتباط انسان با طبیعت
۲۵ - ۵۰	۱- ۳ انسان - طبیعت و پرستش
۵۱ - ۵۴	۱-۱- ۳ قربانی
۵۵ - ۶۹	۲- ۳ انسان - طبیعت و ناشناخته‌ها
۶۹ - ۷۱	۱-۲- ۳ قدرت کلام
۷۲ - ۷۶	۲-۲- ۳ اعتقاد به ارواح در میان قبایل کهن
۷۷ - ۸۴	۳-۲- ۳ اعتقاد به موجودات فراطبیعی (جن، دیو و پری)
۸۵ - ۸۸	فصل چهارم: انسان - طبیعت و افسانه‌ها و اسطوره‌ها
۸۹ - ۹۵	۱- ۴ دنیای شگفت‌انگیز خیال
۹۶ - ۱۰۰	۲- ۴ افسانه‌پردازی
۱۰۱ - ۱۰۴	۳- ۴ تعاریف افسانه

- ۴- ۴ اسطوره..... ۱۰۵ - ۱۰۷
- ۵- ۴ افسانه یا اسطوره؟!..... ۱۰۸ - ۱۱۴
- فصل پنجم: معرفی هزار و یکشب..... ۱۱۵ - ۱۱۹
- ۱- ۵ هزار و یکشب و دنیای غرب..... ۱۲۰ - ۱۲۶
- ۲- ۵ چه کسی هزار و یکشب را نوشته است؟..... ۱۲۷ - ۱۲۸
- ۳- ۵ ریشه‌یابی هزار و یکشب..... ۱۲۹ - ۱۳۱
- ۱- ۳- ۵ ریشه‌ی هندی هزار و یکشب..... ۱۳۲ - ۱۳۷
- ۲- ۳- ۵ ریشه‌ی عربی هزار و یکشب..... ۱۳۸ - ۱۴۰
- ۳- ۳- ۵ ریشه‌ی ایرانی هزار و یکشب..... ۱۴۱ - ۱۴۷
- ۴- ۳- ۵ ریشه‌ی یونانی هزار و یکشب..... ۱۴۸ - ۱۴۹
- ۴- ۵ ادبیات در هزار و یکشب..... ۱۵۰ - ۱۵۴
- ۵- ۵ داستان هزار و یکشب..... ۱۵۵ - ۱۶۱
- فصل ششم: تحلیل منتخبی از افسانه‌های هزار و یکشب..... ۱۶۲ - ۱۶۴
- ۱- ۶ مقدمه‌ای بر تحلیل افسانه‌های هزار و یکشب..... ۱۶۵ - ۱۷۹
- ۲- ۶ حکایت دهقان و خرش..... ۱۸۰ - ۱۸۴
- ۳- ۶ حکایت بازرگان و عفریت..... ۱۸۵ - ۱۹۵
- ۴- ۶ حکایت صیاد و عفریت..... ۱۹۴ - ۲۰۲
- ۵- ۶ حکایت حمال با دختران..... ۲۰۳
- ۱- ۵- ۶ حکایت گدای دوم..... ۲۰۴ - ۲۰۸

۲۰۹ - ۲۱۱ حکایت بانو و دو سگش.....	۶-۵-۲
۲۱۲ - ۲۱۵ حکایت ملک شهرمان و قمرالزمان.....	۶-۶
۲۱۶ - ۲۲۱ حکایت علاءالدین ابوشامات.....	۶-۷
۲۲۲ - ۲۲۹ حکایت هارون الرشید و ابو محمد تنبل.....	۶-۸
۲۳۰ - ۲۳۳ حکایت اسب آبنوس.....	۶-۹
۲۳۴ - ۲۳۷ حکایت خر ابله.....	۶-۱۰
۲۳۸-۲۴۰ حکایت علی مصری و عفريت.....	۶-۱۱
۲۴۱ - ۲۵۷ حکایت حاسب کریم الدین.....	۶-۱۲
۲۴۲ - ۲۶۷ حکایت بلوقیا.....	۶-۱۲-۱
۲۴۶ - ۲۷۳ حکایت جان شاه و شمسه.....	۶-۱۲-۲
۲۷۴ - ۲۸۷ حکایت سندباد.....	۶-۱۳
۲۸۸ - ۲۹۴ حکایت مدینه النحاس.....	۶-۱۴
۲۹۵ - ۳۰۴ حکایت بازرگان و سه پسر.....	۶-۱۵
۳۰۵ - ۳۰۹ حکایت عجیب و غریب.....	۶-۱۶
۳۱۰ - ۳۱۶ حکایت ملک بدریاسم و ملکه جوهره.....	۶-۱۷
۳۱۷ - ۳۲۲ حکایت سیف الملوک و بدیع الجمال.....	۶-۱۸
۳۲۳ - ۳۳۱ حکایت حسن بصری و نورالسنا.....	۶-۱۹
۳۳۲ - ۳۳۴ حکایت خلیفه صیاد.....	۶-۲۰
۳۳۵ - ۳۳۸ حکایت ابوقیر و ابوصبر.....	۶-۲۱

۳۳۹ - ۳۴۲ حکایت عبدالله بری و بحری
۳۴۳ - ۳۴۶ حکایت عبدالله فاضل
۳۴۷ - ۳۴۹ حکایت معروف پینه‌دوز
۳۵۰ - ۳۵۴ نتیجه‌گیری
۳۵۵ - ۳۶۲ فهرست منابع متن

مقدمه:

انسان به‌عنوان عضوی از طبیعت، موجودی است کاملاً مستقل و متفاوت از سایر مخلوقات هستی. آرزوهایی دارد و آرمان‌هایی... ترس‌ها و دل‌نگرانی‌هایی... و بلندپروازی‌ها و قدرت‌طلبی‌هایی که رسیدن به آن‌ها، گاهی از توانش خارج است. بخشی از آن‌ها را از طریق آزمون و خطا در طبیعت به‌دست می‌آورد و برخی را با خیال‌پردازی‌هایش در مرزهایی فراتر از طبیعت...

به‌طور کلی انسان از طریق علوم تجربی، تخیل و خلاقیت با طبیعت برخورد می‌کند. از آنجایی که مرزهای خیال، محدودیت‌های مرزهای علوم تجربی را ندارند، هر آنچه را که نتواند از طریق محدودکننده‌ی منطق کسب کند، از راه بی‌حصار خیال و رؤیا به‌دست می‌آورد، اسطوره و افسانه می‌سازد و در دل این داستان‌ها، با تکیه بر سحر و جادو یا موجودات فراطبیعی در خدمت انسان، به مرزهای ناشناخته و خط قرمزهای طبیعت غلبه کرده و به تمام آرزوهایش می‌رسد...

ادبیات آیینی افکار مردم است. آیینی احساسات، تمنیات و آرزوهای انسان... افسانه‌ها نیز به‌عنوان بخشی از ادبیات (ادبیات شفاهی)، علاوه بر مفهوم ظاهری خود و ارزش روان‌شناختی که دربردارند، رشته‌ای از دیدگاه‌های دیگر را نیز عرضه می‌دارند که شایسته‌ی تحقیق و کاوش است، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت، «میراث فرهنگی بشر، در افسانه‌ها بیان شده است.» (بتلهایم، بی تا: ۳۷)

در افسانه‌پردازی، انسان چیزی جز خود طبیعت در اختیار نداشت، بنابراین به همان داشته‌های طبیعت، ویژگی‌های خیال‌آمیز فراطبیعی می‌دهد تا از این طریق آن را در حیطه‌ی تسلط خویش قرار دهد. مطالعه و بررسی افسانه‌های کهن نشان می‌دهد که انسان از طرق مختلف و با ترفندهایی جالب سعی داشت تا با طبیعت ناشناخته و دست‌نیافتنی اطرافش ارتباطی تسلط‌آمیز برقرار کند. این پروژه، ارتباط انسان با طبیعت را در حوزه‌های مختلف زندگی انسان مانند

پرستش، اعتقادات غریب، افسانه‌ها و اسطوره‌ها مورد بحث قرار خواهد داد. برای اثبات وجود این ارتباط به‌ویژه در افسانه‌های کهن که بحث ویژه‌ی این تحقیق است، افسانه‌های منتخب هزار و یک‌شب، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در کشمکش آدمی با طبیعت که مبحث اصلی این تحقیق است، هزار و یک‌شب مانند تمام افسانه‌های کهن، منبع بسیار خوبی محسوب می‌شود. روزگاری طبیعت، مخزنی بود مملو از رازهای پنهانی و اسرار ناپیدا با اعجاب و اعجازی فوق‌العاده. از این جهت در بسیاری از افسانه‌ها، می‌توان ردپای کشمکش انسان با طبیعت فناپذیر و احاطه‌گر را کشف کرد. دوران شکل‌گیری هزار و یک‌شب نیز کاملاً مطابق با زمان رازآلود پنداشتن جهان طبیعت و کشف دنیاست...

انتخاب از میان افسانه‌های هزار و یک‌شب، بر اساس تطابق با محوریت موضوع، صورت خواهد گرفت. با توجه به وسعت و پراکندگی افسانه‌ها، این پژوهش تنها گامی است کوچک که امیدوارم هزارتویی از رمز و راز را بر روی پژوهندگان بگشاید، آن‌چنان که برای من بود... این پروژه در 6 فصل تهیه و تنظیم شده است:

فصل اول: "کلیات پژوهش" که مسئله‌ی پژوهش، پرسش‌ها، فرضیات و اهداف تحقیق، همچنین پیشینه، روش تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها، حجم تقریبی، ابزار و مقیاس‌های سنجش و به‌طورکلی، طرح ابتدایی تحقیق را به‌گونه‌ای جامع‌تر و کامل‌تر در خود جای داده است.

فصل دوم: "انسان و طبیعت" که به اختصار به تعریف و معرفی انسان و طبیعت از منظر این تحقیق، به عنوان یک پیش‌نیاز، می‌پردازد.

فصل سوم: "بررسی ارتباط انسان و طبیعت". این فصل، ارتباط انکارناپذیر انسان با طبیعت را طرح می‌کند و به‌دلیل گستردگی موضوع در ۲ زیرمجموعه تنظیم شده است: انسان - طبیعت و پرستش، و انسان - طبیعت و ناشناخته‌ها.

فصل چهارم: "انسان - طبیعت و افسانه‌ها و اسطوره‌ها" که به بررسی افسانه‌های کهن که از

ذهن انسان‌های ابتدایی و در بطن طبیعت شکل گرفته‌اند، تعاریف افسانه، اسطوره، شباهات و تفاوت‌های آن‌ها می‌پردازد.

فصل پنجم: "معرفی هزار و یک‌شب". این فصل شامل معرفی کتاب، ترجمه‌ها و تأثیرات آن، ریشه‌های آن و تعریف خلاصه‌ای از داستان *هزار و یک‌شب* است.

فصل ششم: "تحلیل منتخبی از افسانه‌های هزار و یک‌شب". در این فصل با مقدمه‌ای بر تحلیل، حدود ۲۴ افسانه از *هزار و یک‌شب*، انتخاب و بر مبنای پیش‌زمینه‌های طرح شده در فصول قبل، تحلیل خواهد شد.

فصل اول

کلیات پژوهش

این تحقیق با عنوان "بررسی ارتباط انسان و طبیعت در افسانه‌های کهن، بر اساس منتخبی از افسانه‌های هزار و یک‌شب" آغاز به کار کرد و شکل گرفت.

مسأله‌ی پژوهش:

انسان به‌عنوان بخشی از خلقت، اگرچه در جای‌گاهی فراتر از طبیعت واقع شده است، اما بدون تردید، بخشی از همان طبیعت و در ارتباط تنگاتنگ با آن است. این ارتباط در زندگی انسان اولیه نمود بارزتری دارد. او خود، قدرت‌ها، ضعف‌ها، قابلیت‌ها و نیازهایش را در بطن طبیعت کشف کرد... از دوران کهن تا عصر حاضر، همواره تلاش آدمی بر آن بوده تا به‌عنوان اشرف مخلوقات، طبیعت را در حیطه‌ی تسلط خویش قرار دهد.

دوره‌ی زمانی در نظر گرفته شده‌ی این پژوهش، عصر افسانه‌های کهن است؛ عصری که انسان هنوز در حال تطبیق با طبیعت پیرامون خویش است. او به‌واسطه‌ی عدم شناخت کافی از قدرت‌های طبیعت، اسطوره و افسانه می‌سازد... و به‌ناچار در عالم خیال، خود را مسلط بر تمام قوای طبیعت و حتی فراطبیعت می‌بیند...

در این پژوهش سعی شده است تا ارتباط انسان با طبیعت، از مناظر گوناگون، به‌ویژه در افسانه‌ها که ماحصل تلاش انسان ابتدایی برای برقراری ارتباط با طبیعت هستند، بررسی شود. برای مشخص شدن دامنه‌ی تحقیق و گریز از پراکنده‌گویی، هزار و یک‌شب، به‌عنوان یکی از غنی‌ترین افسانه‌ها انتخاب شده است.

پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از:

«ارتباط انسان با طبیعت چگونه و با چه دیدگاه‌هایی در افسانه‌ها مطرح شده است و نمود

آن در باورها، آثار و زندگی انسان چگونه بوده است؟»

پرسش‌های پژوهش:

- ۱- ارتباط انسان و طبیعت در زمینه‌های مختلف زندگی او چگونه نمایان شده است؟
- ۲- این ارتباط در افسانه‌های کهن (با نگاهی تحلیل‌گرانه به منتخبی از افسانه‌های هزار و یک‌شب) تا چه اندازه مطرح بوده و تأثیر آن در باورها، اعتقادات و داستان‌سرایی‌های انسان آن دوران چگونه بوده است؟
- ۳- آیا افسانه‌های هزار و یک‌شب می‌توانند مرجع مناسبی برای اثبات ارتباط انسان با طبیعت باشند؟
- ۴- آیا تبدیل چهره‌ها (تبدیل انسان به حیوان، سنگ و سایر اجزای طبیعت) در این افسانه‌ها را می‌توان به‌عنوان بخشی از ارتباط انسان با طبیعت مورد بررسی قرار داد و از این منظر توجیه کرد؟
- ۵- آیا تبدیل چهره‌ها در این افسانه‌ها می‌تواند ریشه در باورهایی نظیر تناسخ داشته باشد؟ و در این صورت، چه دلایلی باعث استفاده‌های گوناگون از پدیده‌ی تناسخ در افسانه‌ها شده است و بیان آن‌ها چه نقشی در پیش‌برد روال داستان داشته است؟
- ۶- آیا سحر و جادو و طلسم‌های مطرح شده در افسانه‌های کهن، می‌تواند دلیلی برای اثبات ارتباط انسان با طبیعت باشد؟
- ۷- موجودات فراطبیعی همچون دیوها، عفريت‌ها، جنیان و پریان، چگونه در برقراری ارتباط انسان با طبیعت توجیه‌کردنی هستند؟ و به‌طور کلی چگونه تلاش انسان برای تسلط بر دنیای فراطبیعی می‌تواند توجیه‌گر ارتباط انسان با طبیعت باشد؟!
- ۸- کاربردهای باور به ارتباط انسان و طبیعت در زمینه‌های دیگر زندگی انسان چیست؟
- ۹- آیا دنیای افسانه‌ها پایان یافته است؟! و به‌عبارت دیگر آیا امروزه می‌توان منکر ارتباط انسان با طبیعت شد؟

اهداف پژوهش:

ارتباط انسان با طبیعت مقوله‌ای انکارناپذیر است. بدیهی بودن این امر، منجر به نمود آن در آثار ادبی، اعتقادات و باورهای او در قالب افسانه‌ها و اسطوره‌ها شده است. هدف اصلی این پژوهش رسیدن به دلایلی است که منجر به استفاده‌های متنوع از ارتباط انسان با طبیعت در افسانه‌ها شده است. از جمله: بررسی عناصر طبیعت و ماوراء طبیعت موجود در بطن افسانه‌های هزار و یک‌شب، که به قهرمان داستان برای برقراری ارتباط با طبیعت ناشناخته و محدود کننده‌ی پیرامونش یاری می‌رسانند.

فرضیات پژوهش:

- ۱- به نظر می‌رسد انسان به عنوان بخشی از طبیعت، خود را در بطن طبیعت و نیروهای آن، شناخته و این ارتباط تنگاتنگ را در آثار خود نشان داده است.
- ۲- به نظر می‌رسد ارتباط انسان با طبیعت در آثار ادبی، اعتقادات و باورها و افسانه‌های انسان کهن نمود بارزی داشته است.
- ۳- به نظر می‌رسد افسانه‌های هزار و یک‌شب، بستر مناسبی برای ردیابی و بررسی میل و نیاز انسان ابتدایی به برقراری ارتباطی تسلط‌آمیز بر طبیعت هستند.
- ۴- به نظر می‌رسد تبدیل چهره‌ها در افسانه‌های کهن همچون هزار و یک‌شب، ریشه در باورهایی نظیر تناسخ دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد انسان از ابتدا سعی داشته تا در بستر طبیعت روند تکاملی خود را طی کند و این میل را در قالب افسانه‌ها به صورت تبدیل به عناصر مختلف طبیعت مانند حیوان، سنگ و... نشان داده است.
- ۶- به نظر می‌رسد سحر، جادو، طلسم، موجودات خیالی فراطبیعی و به‌طور کلی تمام تلاش‌های انسان برای تسلط بر فراطبیعت، در واقع ایجاد راه‌کارهایی برای برقراری ارتباط با طبیعت ناشناخته و محدودکننده‌ی پیرامون اوست.

۷- به نظر می‌رسد، هنوز هم دنیای خیال و رؤیا و افسانه در زندگی انسان‌ها نقش عمده‌ای ایفا می‌کند.

پیشینه‌ی پژوهش:

از قرن ۱۷ میلادی، با اولین ترجمه از هزار و یک‌شب توسط "گالان"، توجه اروپائیان به این کتاب و به‌طور کلی افسانه‌های شرقی جلب شد. این جریان که مقدمات شکل‌گیری مکتب رومانسیسم را شدت بخشید، سبب شد تا آثار بسیاری با تقلید از هزار و یک‌شب و افسانه‌های شرقی نوشته شود و نقدهای زیادی را بر هزار و یک‌شب فراهم آورد. این مجموعه، از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، دکتر "رابرت ایروین" در *تحلیلی از هزار و یک‌شب*، به ریشه‌یابی این افسانه‌ها می‌پردازد و به‌علاوه تأثیرات آن را در ادبیات غرب بررسی می‌کند. "جلال ستاری" نیز در *افسون شهرزاد*، بیشتر به ریشه‌یابی و مکان‌یابی این افسانه‌ها توجه نشان داده است و به‌علاوه در مقالات پیاپی در ماه‌نامه‌ی هنر و مردم، این افسانه‌ها را از منظر اعتقادات باستانی چون آیین‌های "تشریف به اسرار" و "بازگشت به بطن" تحلیل کرده است. "برونو بتلهایم" در کتاب *کاربردهای افسون*، نگاهی روان‌شناسانه به این افسانه‌ها داشته و آن‌ها را از نظر روان‌شناسی کودک مورد ارزیابی قرار داده است. "نغمه ثمینی" در کتاب *عشق و شعبده پژوهشی در هزار و یک‌شب*، به‌طور کامل هزار و یک‌شب را بررسی کرده و به تحلیل زیبا و جامعی از این افسانه‌ها پرداخته است. اما در حوزه‌ی مورد بحث این تحقیق، منبع مستقلی نیافتیم و می‌توان گفت که افسانه‌های هزار و یک‌شب تاکنون از منظر ارتباط انسان با طبیعت، مورد تحلیل قرار نگرفته‌اند.

برای پیش‌نیازهای این پروژه نیز به منابعی رجوع شد که به‌ویژه از قرن ۱۹ میلادی، با توجه به نحوه‌ی زیست قبایل بدوی، نوشته و انتشار یافتند. از آن جمله می‌توان به *تاریخ مردم‌شناسی* (۱۳۴۰)، تألیف "هیس.ه.ر"، *تاریخ و فلسفه‌ی مذاهب جهان*، از "بهاء‌الدین بازارگاد"، *توتم و تابو* (۱۳۶۲) از "زیگموند فروید"، کتاب *هنر و فرهنگ آفریقایی سیاه* (۲۵۳۶) که شامل ۱۲

مقاله از محققین است و... اشاره کرد. تمامی این کتب، محقق را در یافتن نکات مورد نظر تحقیق یاری کردند. اما در نهایت مجموعه‌ی این یافته‌ها در جهت تحلیل افسانه‌های هزار و یک‌شب از منظر نحوه‌ی ارتباط با طبیعت مورد استفاده قرار گرفتند.

نهادهای و مؤسساتی که می‌توانند از یافته‌های این پژوهش بهره‌گیرند:

جامعه‌ی دانشگاهی، صدا و سیما، مؤسسات فرهنگی-هنری در حوزه‌های سینما و تولید انیمیشن، هنرمندان و پژوهشگران علاقه‌مند.

تعریف جامعه‌ی آماری و ویژگی‌های آن:

در این پژوهش، تعدادی از افسانه‌های هزار و یک‌شب به‌عنوان منبع اصلی برای اثبات عنوان مورد نظر پژوهشگر، یعنی ارتباط انسان با طبیعت در افسانه‌های کهن، در نظر گرفته خواهد شد. تعلق داشتن به محدوده‌ی وسیع فرهنگی، وجود فضای تخیلی و نمود آرمان‌گرایی انسان در این افسانه‌ها و وجود نکات مشترک فراوان در میان آن‌ها و احتمالاً نمونه‌های مشابه در سایر فرهنگ‌ها، از ویژگی‌های آماری این پژوهش به‌شمار می‌آید.

روش نمونه‌گیری و حجم تقریبی نمونه:

در نمونه‌گیری اصلی، تعدادی از افسانه‌های هزار و یک‌شب، به‌صورت غیر تصادفی، انتخاب و مورد بررسی قرار خواهد گرفت. حجم تقریبی نمونه، حدود ۵۰٪ از نمونه‌ی اصلی خواهد بود.

ابزار سنجش، مقیاس‌های سنجش:

روش مطالعه، به‌صورت کتاب‌خانه‌ای و تحلیل محتوایی خواهد بود. مقیاس‌های سنجش در این پژوهش، از اعتبار و پایایی برخوردار است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

تجزیه و تحلیل این پژوهش به صورت محتوایی و گاهاً تطبیقی خواهد بود. در تحلیل محتوایی کمی، کتب مربوط به نحوه‌ی زیست و اعتقادات اقوام کهن، افسانه‌ها و اسطوره‌ها و نقدهای مربوط به کتاب *هزار و یک‌شب* و افسانه‌های آن، مطالعه و مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در تحلیل محتوایی کیفی، بر اساس مطالعات انجام شده، مطالب مورد نیاز این تحقیق برای پیش‌زمینه‌ها و موضوع اصلی، استخراج و فیش‌برداری شده و در نهایت با بهره‌گیری از آن‌ها به تحلیل ارتباط انسان با طبیعت، نمونها و علل استفاده از آن در افسانه‌های کهن، بالاخص در افسانه‌های *هزار و یک‌شب*، خواهیم پرداخت.

فصل دوم

انسان و طبیعت

بر اساس عنوان تحقیق، هدف اصلی در این پروژه بررسی ارتباط انسان با طبیعت در افسانه‌های کهن است و برای مشخص شدن دامنه‌ی تحقیق، این بررسی در افسانه‌های منتخب هزار و یک‌شب، صورت خواهد پذیرفت. اما پیش از بررسی این ارتباط، سخنی کوتاه در باب انسان و طبیعت به‌طور جداگانه، ضروری به‌نظر می‌رسد.

انسان کیست؟

انسان محیط بر همه‌ی افلاک است و همه‌ی آسمان‌ها در خیالش می‌گنجد...

یکی از اساسی‌ترین مسائلی که ذهن فلاسفه‌ی دنیا را از گذشته تا به امروز به خود مشغول کرده است، شناخت انسان و ماهیت وجودی اوست و در هر دوره‌ای، با طرز تفکرهای متفاوت به این مقوله پرداخته شده است. اما تعاریف فلسفی انسان در این تحقیق چندان به‌کار ما نمی‌آید، چراکه در این‌جا درباره‌ی انسانی سخن خواهیم گفت که در عصر کهن زندگی می‌کند و برای توجیه ناشناخته‌های طبیعت به افسانه‌پردازی می‌پردازد. بنابراین با انسانی متعالی از منظر امروز روبه‌رو نیستیم.

انسان یکی از اجزای خلقت و هستی است که در دل طبیعت بی‌نهایت پروردگار قرار دارد، اما ویژگی‌های منحصر به فردش، او را از حد یک جزء ساده در میان اجزای دیگر طبیعت، فراتر برده است. قدرت اراده و عقل و منطق، همچنین قابلیت‌های بی‌نهایت ذهنش در خیال‌پردازی و خیال‌گستری، از او موجودی ساخت که خالق از خلقتی با این عظمت به خویش تبریک و تحسین گفت... و مقام او را از تمام خلقت‌های خداوند رفیع‌تر گردانید... تا جایی که او شایسته‌ی جانشینی پروردگار در زمین شد...

درخصوص چگونگی خلقت انسان افسانه‌های زیادی نزد ملل گوناگون مطرح شده است که در بحث‌های آتی، در اشتراکات افسانه‌های خلقت طرح خواهد شد. نکته‌ی جالب این‌که تقریباً

تمامی آن‌ها به خلقت خاص انسان از گل و خاک اشاره می‌کنند، درست مانند آنچه که قرآن از خلقت "آدم(ع)"، بیان می‌کند...

«مطابق یک فرضیه‌ی علمی، سیر تکاملی نخستین میمون‌های انسان‌نما (اجداد انسان) در حدود ۴ میلیون سال پیش در آفریقا آغاز گردید. مهاجرت این میمون‌های انسان‌نما به آسیا و اروپا، سبب شد تا آنان روند تکاملی خویش را ادامه دهند و نهایتاً به صورت انسان‌های امروزی درآمدند و به هم‌هی نقاط جهان مهاجرت کرده و جایگزین میمون‌های انسان‌نمای اولیه^۱ شدند. توانایی "هومونیدها" یا میمون‌های انسان‌نما، در ساختن ابزار، شکار جانوران و جمع‌آوری غذا این موجودات را قادر ساخت تا بر سراسر طبیعت مسلط شوند.»^۱ اما در این جا به خلقت انسان بر اساس روایت‌های کهن مذهبی یا بر مبنای نظریه‌ی تکامل داروینی نخواهیم پرداخت. هدف، معرفی انسانی است که به تدریج با استفاده از قابلیت‌های عقلانی و قوه‌ی تخیلش، تلاش می‌کرد تا با طبیعتی که در بستر آن متولد شده بود، ارتباط برقرار سازد. ارتباطی تسلط‌آمیز که نیروهای سرکش و قدرتمند طبیعت را تحت فرمان خویش درآورد و بتواند از ترس‌ها و ناتوانی‌هایش در مقابل طبیعت جلوگیری کند...

دوران مورد نظر در این تحقیق، عصر افسانه‌پردازی است، یعنی زمانی که انسان هنوز در حال تطبیق با محیط پیرامون خویش است و نیروی عقل او آن قدر رشد و تعالی نیافته است که بتواند همه چیز را بر مبنای منطق توجیه کند. بنابراین از قابلیت دیگری بهره می‌جوید، قابلیتی که تنها در انحصار اوست... او از قوه‌ی تخیل کمک می‌گیرد و تمام اتفاقات طبیعت را با ذهن خیال‌پرورش تفسیر می‌کند... و این چنین بود که افسانه‌ها یکی پس از دیگری ساخته و پرداخته شدند....

انسان موجود عجیبی است. می‌تواند به همه چیز و هیچ چیز فکر کند... ذهن او قابلیت گنجاندن تمام هستی را در خود داراست. او می‌تواند در ذهن کوچکش هرچیزی را که اراده کند، خلق کند... قدرت تخیل، ابتدا ذهن انسان را قادر به خلقت درونی کرد و سپس به تدریج، با رشد و تعالی قدرت عقل و منطق، این خلقت‌های ذهنی، نمود بیرونی یافتند و انسان تصوراتش را یکی پس از دیگری با اکتشافات و اختراعاتش بروز عینی داد...